

بناام خدا

عنوان تحقیق:

پروژه بررسی معماری مساجد

رشته معماری و شهرسازی

نام دانشجو:

تاریخ نگارش:

کلیات

آن چه که مسجد را مسجد می‌کند فقط دیواری است که به دقت در جهت قبله قرار می‌گیرد، یعنی به طرف کعبه در مسجدالحرام که در شهر مکه واقع است. هیچ نوع سقفی، هیچ نوع ابعاد خاصی، و هیچ نوع دیوار در برگیرنده‌ای لازم نیست و به هیچ نوع امکانات عبادی جنبی نیاز ندارد. در واقع می‌توان گفت که حتی به آن دیوار هم احتیاجی نیست. از پیامبر [ص] روایت است که فرمود: «هر جا که نماز بگذارید، همانجا مسجد است». از این رو، در سراسر جهان اسلامی و تا به امروز، همین که وقت نماز فرا می‌رسد مؤمنان دست از کار می‌کشند، رو به قبله می‌کنند و در همانجا نماز می‌گذارند.

بدیهی است که مسلمانان از همان روزهای نخست اقدام به ساختن مساجد کردند و به تبع افزایش تعداد مساجد، اشکال معماری نیز رو به گسترش نهاد. مسجد به تمام معنی بنائی است اسلامی و از این دیدگاه، جلوه‌گاه کلیه رمز و رازهای معماری اسلامی به شمار می‌آید. علاوه بر آن، جهان سده‌های میانه مسلمان، نظیر اروپای قرون وسطی، جامعه‌ای خدامدار بوده است و مسجد بیان طبیعی آن. لذا بررسی دقیق عملکردهای این بنا ما را به فهمی عمیق از کارکردهای این بنا ما را به فهمی عمیق از کارکردهای فرهنگ اسلامی می‌رساند.

مسجد بنای الگویی بود که کلاً عالی‌ترین سازه‌ها را در معماری اسلامی به وجود آورد؛ مسجد با این نیت ساخته می‌شد که باقی بماند، در حالی که بسیاری از بناهای غیرمذهبی، علیرغم توجه به تزئینات غنی آن، ساختار سست داشتند. همین امر موجب پایداری بسیاری از مساجد نسبت به سایر بناها شده است. این بنای مسجد بود که صحنه نخستین تجربه‌های آمیخته با ترس اعراب در زمینه معماری شد و این به واسطه مسجد بود که مسلمانان بیش از هر واسطه دیگری از طریق آن با میراث معماری قبل از اسلام تماس برقرار کردند. در نتیجه این بنا آن الگویی است که - به مانند کلیسا در جهان مسیحی - بیش از هر چیز دیگر تأثیر سنتهای ممتاز معماری محلی بسیاری را که در مجموع معماری اسلامی را شکل دادند، منعکس می‌سازد.

تعریف

مسجد بطور قطع بنای مذهبی اصلی اسلام است که از بین کارکردهای متعدد آن، والاتر از همه کارکرد عبادت جمعی آن است. ساده‌ترین شکل مسجد از یک حیاط مرکزی تشکیل می‌شود که رواق‌هایی آن را احاطه کرده و متصل به یک سرسرای سرپوشیده است. گزینش اجزای تشکیل دهنده مسجد و اثر متقابل آنها بر یکدیگر؛ کارکردهایی که از مسجد انتظار می‌رفت؛ نقش تزئینات و بالاخره تمام آنچه که به تأثیرات زیباشناختی و بصری این نوع بنا کمک می‌کند.

تمام فضای مسجد به یکسان مقدس است و معماری آن هیچ سلسله مراتب بااهمیتی را در خود ندارد. مساجدی که دارای صحن هستند- که نمونه غالب ساخت مساجد در جهان اسلامی است- تفاوت بصری روشنی بین فضای صحن و رواق‌های دربرگیرنده آن و فضای سرپوشیده وسیع‌تری که محراب در آن قرار دارد دیده می‌شود.

نوآوری

ورود جریان‌های آرمان‌ها، فنون و مصالح بیگانه می‌دهد که به صورت تعیین کننده‌ای سادگی ابتدایی مسجد عربی را دگرگون ساختند. از این به بعد معماری مسجد بر مبنای پس زمینه‌ای از نفوذ (گرایش‌های) کلاسیک، بیزانس و ایرانی متحول شد. در نتیجه، از دوره اموی به بعد شکل کالبدی مسجد، حداقل در برخی از بخش‌ها، بطور غیر قابل انکاری، ریشه در سنت‌های هزار ساله دنیای خاور نزدیک و مدیترانه دوانید. مسجد در شکل اصلی خود بدون بهره‌گیری از این تأثیرات قادر بود که وظیفه خود را به خوبی انجام دهد. ولی شکی نیست که ترکیب آنها در طرح مسجد بطور اساسی موجب گسترش بعدی آن در تمامی جنبه‌ها شد.

این وجوه جدید شامل پنج عنصر بودند: «محراب» یا طاقنمای نماز، «منبر» یا سکوی وعظ، «مقصوره» یا محصوره سلطنتی، «ناو» یا راهرو بالا آورده میانی شبستان، و «گنبد» روی چشمه محراب. تمام این عناصر پنجگانه با درجه اهمیت برابر باقی ماندند؛ ولی در یک بنا با همه آنها به یک نحو برخورد نمی‌شد. با این که تمام آنها پالوده شده و

تغییر شکل پیدا کرده‌اند، ولی بدون شک ریشه‌های آنها کلاسیک است و از طریق هنر بیزانسی و ایرانی امکان حضور یافته‌اند.

محراب

شاید محراب آشکارترین مورد از موارد پنجگانه فوق‌الذکر باشد. محراب مسجد، طاقنمایی که جهت نمازگزاری را نشان می‌دهد، در واقع کوچک شده محراب (Apse) کلیسای مسیحی است که مذبح (Altar) را در خود دارد. محراب (Apse) کلیسای مسیحی یادآور طاقنمای عمیق و بزرگ معابد یونانی- رومی است که مجسمه‌ای آئینی را در خود داشت و یا در کاخ‌های متأخر عتیق رومی شخص امپراتور را در خود جای می‌داد. این طاقنما حتی در بستر یک مسجد همچنان خاطرات و باقیمانده‌ای از کارکرد ابتدایی خود را حفظ کرده است. زیرا که در نمازهای جمعه، امام درون آن قرار می‌گیرد تا نمازگزاران را امامت کند.

قدیمی‌ترین نمونه محراب به سال ۷۰۵/۸۶ بر می‌گردد و آن زمانی بود که مسجد بازسازی شده پیامبر [ص] در مدینه با یک محراب به پایان برده شد. این محراب احتمالاً یادآور مکانی بود که محمد [ص] شخصاً نماز را در آنجا امامت می‌کرد. البته چنین نیست که مساجد اولیه فاقد محراب، به طریقی مساجد ناقص تلقی شوند. تمایل متزاید برای دنیایی کردن مسجد و همطراز کردن آن با معماری پیشرفته‌تر خاور نزدیک کهن و بیزانس بود که عامل تعیین‌کننده‌ای برای به وجود آمدن محراب گردید. ابداع

محراب توفیق آشکاری به عنوان یک نماد و مرکز توجه عبادت بود و همین امر آینده آن را تضمین کرد. به همین نسبت، کانونی برای تزئینات استادانه با موزائیک و کاشی، مرمر و دیگر مصالح گران قیمت شد.

«منبر»

منبر در معماری اسلامی هرگز به سان محراب و جهت تقریباً جهانی به دست نیاورد. کارکرد منبر در آغاز کار بیشتر در صلات جمعه بود و بالطبع در مساجد جامع مورد مصرف داشت، در حالی که محراب جزء اصلی حتی کوچکترین مسجد شد و حتی در مدارس، مقابر، کاروانسراها و سایر بناها نیز یافت می‌شد. خطبه جزء جدایی ناپذیر نماز جمعه بود که بخشی از آن را امر به معروف، بخش دیگری از آن را موعظه و بخشی از آن را نیز سلام‌های رسمی تشکیل می‌داد. خطبه نماز جمعه رنگ قوی سیاسی داشت. در واقع، دعوی مشروعیت حاکم و فرمانروا وقتی موضوعیت می‌یافت که نام وی در خطبه ذکر می‌شد. خطبه ابزاری برای تصدیق بیعت بود. دیده شدن و شنیده شدن صدای خطیب به هنگام ایراد خطبه اهمیت داشت. اینگونه بود که منبر به وجود آمد. منبر معمولاً در سمت راست محراب قرار می‌گرفت.

اولین منبر تاریخ‌دار- منظور از این اولین منبر عموماً منبر ساخته شده از چوب ساج در مسجد جامع قیروان است. نوع متأخر منبر چوبی، گاهی دارای چرخ بوده است که آن را به هنگام برگزاری نماز جماعت بزرگتر به حیاط منتقل می‌کرده‌اند.

از قرن چهاردهم به بعد انواع متنوعی از منبرها پدید آمد. نمونه‌هایی از آن که با کاشی‌کاری تزئین شده بودند در ایران، و به صورت روزافزونی در عثمانی، برپا شدند. منطقه‌ی اخیر به نوع سنگی یا مرمرین منبرها با آسمانه یا قبه همراه با تزئینات منبت و مشبک متمایل بود. منبرهایی نیز از آجر و آهن دیده شده است. معمولاً کاربرد مصالح مقاوم با طرح‌های ساده همراه بود. در اصفهان دوره‌ی صفویه در قرن هفدهم میلادی (یازدهم هجری)، منبرهایی ساخته می‌شد که عیناً مشابه شکل منبر دامغان بود که به یک هزاره پیش از آن تعلق داشت، منتهی این بار به جای خشت، از سنگ مرمر گرانقیمت استفاده شده بود.

مقصوره

از مقصوره نمونه‌های کمتری باقی مانده و محتمل است که این وضعیت بازتابی از ندرت نمونه‌های آن در دوره سده‌های میانه باشد. علت چنین امری نیز چندان دور از دسترس نیست. مقصوره، خیلی بیشتر از محراب و منبر، متضمن حضور یک حاکم است، در حالی که بر عکس، هر جامعی نیازمند به یک امام یا یک خطیب است. مقصوره از نظر شکل عبارت است از یک فضای محصور و مربع شکل در درون مسجد و در مجاورت محراب. دیواره‌های آن ممکن است از مصالح بنایی باشد ولی جنبه‌ی متداول آن مشبک‌های فلزی یا چوبی است. این دیواره‌ها کافی است که شخص

درون مقصوره را از سایر نمازگزاران جدا سازد ولی به او اجازه دیدن نماز و مشارکت در آن را بدهد.

از قرن یازدهم میلادی به بعد، به ویژه در شرق اسلامی، مقصوره‌ها به شکل گنبد خانه‌ای بزرگی که در شبستان مسجد ترکیب شده بودند رو به ازدیاد گذاشتند که مسجد کبیر اصفهان نمونه‌ای از آن است. معمولاً مقدم بر این گنبد یک راهروی مرکزی شاخص قرار می‌گرفت. مسجد بیبرس در قاهره نشانه نفوذ همین رسم در غرب دنیای اسلام است. مقصوره، مانند منبر، در اشکال و اوضاع مختلف ظاهر می‌شود، که از آن میان می‌توان به نمونه‌های متحرک چوبی (نظیر قیروان) و دیگر نمونه‌ها در مجموعه‌ها و بنیادهای چند منظوره نظیر مجموعه سلطان قلاوون در قاهره اشاره داشت.

شیروانی برجسته راهروی مرکزی

مقصوره، با داشتن تمام اهمیت نمادین، و البته تأثیر کالبدی که صرف حجم آن می‌تواند به جای بگذارد، حتی زمانی که متضمن شبستان گنبدپوش می‌شود، نمی‌تواند ادعای داشتن نقش عمده‌ی عبادی را داشته باشد. همین مطلب در مورد آن دو عنصر دیگر (راه یافته به معماری مسجد) نیز که ریشه‌های بیگانه دارند و (به تدریج) بیشتر و بیشتر در مساجد جامع بزرگ شهری ترکیب شدند، با قوتی بیشتر صدق می‌کند. این دو عنصر عبارتند از گنبد واقع بر فراز محراب و شیروانی برجسته راهروی مرکزی به دلیل آنکه نمی‌توانست در تمام مساجد بکار رود با استقبال زیادی مواجه نشد. از آن

گذشته، برای این که راهروی مرکزی تأثیر مطلوب خود را به جا بگذارد مستلزم شبستانی بود که نظام بام بندی آن موازی قبله باشد و نه عمود بر آن هدف از راهروی مرکزی عمود بر محور شبستان (transept) تنها ایجاد محوریتی متفاوت نسبت به جهت غالب در شبستان بود، تا محراب که در انتهای آن قرار داشت برجسته تر شود. ارتفاع اضافه سقف این راهروی مرکزی، که بالاتر از بام شبستان قرار داشته و عمود بر خط بام حرکت می کند، تجسم بصری بیرونی این مسیر تشریفاتی است. اولین مسجدی که این معنی را بیان داشت یکی از نخستین بناهای اسلامی یعنی مسجد کبیر دمشق بود.

گنبد بر فراز محراب

معماری رومی بطور قاطع نقش افتخار آمیز شخصیت گنبد را با شرف دادن به مکان آن در معماری کاخها پایدار کرده است و تصادفی نیست که عظیمترین بنای مذهبی رومی، یعنی پانتئون، گنبد را نقطه کانونی خود قرار می دهد. البته این چنین پیوستگی های والا مانع از آن نشد که رومی ها گنبد را در بسترهای متواضعانه تری نیز بکار برند، ولی در معماری بیزانسی، استفاده از مقیاس بزرگ گنبد، در کلیساها و صومعه ها انگاره ای جا افتاده و تثبیت شده بود. از این رو است که کاربرد آن در مساجد و بطور اتفاقی در موقعیت های کلیدی، در کاخ های اسلامی یک انتقال طبیعی است. بهترین مکان برای قرارگیری گنبد در درون مسجد طبعاً نزدیک محراب بود، زیرا که به

عنوان بخشی از رابطه پیچیده‌ای به شمار می‌آید که بین محراب، منبر، مقصوره و راهروی مرکزی برقرار می‌شد.

در یک مسجد با بام تخت، شیب‌دار یا حداکثر با طاق بندی‌های خوابیده، بدیهی است که حضور یک گنبد تمام عیار اگر نگوئیم بیانی از نمادگرایی مذهبی یا سیاسی است، قطعاً تأکیدی بر یک کانون عبادی هست. با توجه به این واقعیت که محراب اساساً بخشی از انتظام داخلی مسجد است و وضعیت آن از طرف خارج قابل تشخیص نیست (هر چند که در برخی از موارد، قدری برجستگی در دیوار قبله ایجاد می‌کند)، لذا ارزش گنبد به عنوان نشانه خارجی آن کاملاً واضح است. علاوه بر آن، شکل گنبد همراه با پیوند غنی و ذاتی این جهانی آن تأکید بر نقش شاهوار محراب دارد. و بالاخره گنبد موقعیت قبله را مشخص می‌سازد و همین امر در بافتهای شلوغ شهری که بدون آن از نقاط ثابت هدایتگر محرومند، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. گنبد برفراز محراب ثابت کرد که پایدارترین و فراگیرترین وجه معماری قرون وسطای اسلامی است و فایده آن به عنوان علامت مشخصه، به تدریج آن چنان اعتباری کسب کرد که موجب شد این فکر در مقیاس و سیعتری کاربرد پیدا کند. بر پا کردن گنبدهای جفتی یا سه تایی برفراز عرصه محراب، مقصوره و راهروی مرکزی یا برفراز مرکز امتداد دیوار قبله اثرات مضاعف داشته است.

اجزای دیگر مسجد

پنج جزء شاخص مسجد بسیار کمتر از آنند که بتوانند فهرست دیگر اجزای اصلی این بناها که برخی از آنها به لحاظ اهمیت دارای ارزشی برابر و یا بیشتر از آن پنج عنصر هستند را از یاد ببرند. مناره، صحن، شبستان اگر نخواهیم از سایر امکانات نظیر دکه (سکوی مرتفع برای قرائت قرآن و...)، فرش‌ها یا دیگر کف پوش‌ها، آبریزگاه، و حتی درب کوبه‌ها سخنی به میان آوریم، سرپوشیده، تسهیلات برای وضو، همگی در طرح کلی مسجد نقش عمده‌ای را بازی می‌کنند.

...

این قسمت از فایل حذف شده است...

**آنچه ملاحظه می‌کنید، تنها بخشی از فایل اصلی می‌باشد
جهت دسترسی به متن کامل با پسوند ورده، فایل را خریداری نمایید.**

...